



حَمَلُوا بِصَافِرِهِمْ عَلَىٰ أَسْيَافِهِمْ

نشریه الکترونیکی بصائر

شماره: (۲۱۹)

موضوع:

نگاهی تمدنی به تحولات فلسطین و مسئله غزه



سازمان اساتید

معاونت تبیین و گفتمان سازی

نگاهی تمدنی به تحولات فلسطین و مسئله غزه

اشاره:

نوشتار ذیل متن سخنان آقای دکتر یدالله جوانی معاون سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می باشد که روز جمعه ۱۹ مردادماه ۱۴۰۳ در جمع اساتید دور دوم دوره توانمندسازی مدیران سازمان بسیج اساتید در مشهد مقدس ایراد گردیده است که عنیاً جهت مطالعه گیرندگان محترم نشریه بصائر معاونت تبیین و گفتمان سازی تقدیم می گردد:

بسم الله الرحمن الرحيم

با تشکر از سازمان بسیج اساتید کشور که این وقت را در اختیار بنده قرار دادند، قصد دارم در فرصت پیش آمده پیرامون تحولات فلسطین و غزه و تاثیر آن بر نظم آینده جهان اشاره ای داشته باشم.

تحولات فلسطین و تاثیر آن بر نظم آینده جهان:

در این چهل و پنج سال، فلسطین همواره یکی از مسائل حساس جهان اسلام، از مهم ترین موضوعات در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و بسیاری از مسائل منطقه ای، بین المللی و داخلی جمهوری اسلامی تحت تاثیر این سیاست کلان و راهبردی بوده است.

دو کلان نگاه به موضوع فلسطین وجود دارد: یکینگاه غرب است که می خواهد رژیم صهیونیستی، ایده نیل تا فرات و نفوذ در همه ساختارهای جهان اسلام را داشته باشد؛ با این نگاه از رژیم منحوس صهیونیستی پشتیبانی می کند و تلاش می کند آن را حفظش کند.

یک نگاه در نقطه مقابل وجود دارد که می گوید؛ هر چه زودتر باید به حیات ننگین این رژیم نامشروع پایان داده شود. لذا سیاست جمهوری اسلامی با بیان صریح حضرت امام (قدس الله نفسه الزکیه) محو اسرائیل از روی کره زمین است.

تاثیر عملیات طوفان الاقصی بر روند مسائل فلسطین

از ۱۵ مهر سال گذشته با آغاز عملیات طوفان الاقصی ما وارد مرحله جدیدی شدیم که اثراتی بر منطقه و جهان می گذرد. مانند عملیات وعده صادق، شهادت اسماعیل هنیه و خونخواهی این شهید بزرگوار که حتما رقم خواهد خورد. فلذا این که تحولات فلسطین بر نظم آینده جهان چه تاثیری خواهد داشت؟ پرسش مهمی است که باید به آن پاسخ داد.

تبیین این سوال و وضعیتی که پیش خواهد آمد یکی از مهم ترین موضوعات، جهاد تبیین امروز است چرا که دشمن، ایمان و امید را نشانه گرفته و ما هم باید در راستای تقویت آنها کارهای فراوانی انجام دهیم. یکی از این کارهای مهم جهاد تبیین است. باید روشن کرد که ما در چه وضعیتی هستیم و روند ها به چه صورتی است؟

کسانی که با نگاه واقع بینانه و ولایت مدارانه تحولات را تجزیه و تحلیل می کنند، به این باور می رسند که ما نزدیک قله هستیم. در جنگ شناختی و عملیات روانی، دشمن در حال نشان دادن یک ایران شکست خورده و به پایان خط رسیده است. در سال ۱۴۰۱ شما مشاهده کردید چگونه دشمن وضعیت را ترسیم می کرد و عده ای حتی از خواص، در دام این تحلیل غلط افتادند. چند ماه بعد از حوادث آن سال در ۲۹ مرداد ۱۴۰۲ مقام معظم رهبری فرمودند: «به قله نزدیک هستیم. خستگی ممنوع!»

در این مواقع ما یک تحلیل خرد و یک تحلیل کلان داریم. بحث من نگاه راهبردی و تحلیل کلان است که با توجه به آنچه از گذشته تا الان صورت گرفته می گیرد. با این نگاه چه چیزی از وضعیت غزه و از زیر خرابه های جانسوز آن بیرون کشیده می شود؟ چنانچه جنگ تحمیلی عراق به ایران خرابی داشت ولی امام (ره) فرمودند: «ما در این جنگ هر روز برکاتی داشتیم». امام برکات را از لابلای خرابی ها دیدند. یکی دیگر از عبارات های ایشان در خصوص جنگ این است که جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت. این تفاوت نگاه عمیق و دقیق به صحنه ها و تحولات است.

مقام معظم رهبری در رابطه با جهاد تبیین فرمودند: «مهم ترین راه جهاد و امید آفرینی، جهاد تبیین و یکی از راه های ما تبیین دستاورد های انقلاب اسلامی و شکست های دشمن است.» شکست های دشمن یعنی شکست جبهه باطل و پیروزی های انقلاب اسلامی، یعنی پیروزی جبهه حق. دو جبهه حق و باطل در این چهل و پنج سال رویاروی هایی داشتند. الان ما در چه نقطه ای قرار داریم و دشمن در چه وضعیتی است؟

تأثیر تحولات فلسطین بر نظم آینده جهان

در تحولات فلسطین ما نهایتاً با چه وضعیتی مواجه خواهیم بود؟ بحث ما این نیست که کار رژیم صهیونیستی کی تمام است؟ بحث ما این است که در چه مسیری در حال حرکت هستیم؟ چون موضوع اصلی ما نظم آینده جهان و تأثیر تحولات فلسطین بر آن است لذا باید نگاهی بیندازیم به نظم گذشته، وضعیت فعلی، تلاش هایی که در حال صورت گرفتن است و روند های که طی می شود تا اینکه به چه سرنوشتی خواهیم رسید؟

اولا باید توجه داشته باشیم که انقلاب اسلامی در امتداد بعثت برای احیای اسلام ناب صورت گرفته و آرمان مشخصتر آن، تمدن سازی اسلامی به عنوان شرط لازم برای ظهور است. آن نگاهی که ما به لحاظ راهبردی داریم. جنس حرکت پیروان امام (ره) و مقام معظم رهبری از جنس حرکت همراهان پیامبر است. رفتن به سمت قله ها و قرار گرفتن در مدار انسانیت در راستای بحث «أَنْتِ جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» قرار دارد. یعنی مقابله با ظلم و ستم، دفاع از مظلوم، احیای ارزش های اسلامی و تحقق حاکمیت الهی.

اگر می‌گوییم چله دوم انقلاب اسلامی طبق بیانیه گام دوم، انشاءالله چله تمدن‌سازی و زمینه‌سازی برای ظهور است، باید بینیم که روند‌ها هم این مطلب را به عنوان یک آرمان و هدف والا تایید می‌کند؟

مشخصاً مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم تحلیلی از چله اول داشتند و سپس باترسیم آینده، به مراحل سه‌گانه خود سازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی اسلامی اشاره نمودند. اگر کسی دغدغه دارد باید این نگاه راهبردی را داشته باشد که چله دوم انقلاب باید چله خودسازی، جامعه‌پردازی، ساخت تمدن اسلامی و انشاءالله اینها همه مقدمه ظهور خورشید عظمی باشد.

با این نگاه باید روشن شود که الان وضعیت به چه صورت است؟ وقتی سخن از نظم نوین آینده جهان‌به‌میان می‌آید و اینکه این نظم چگونه شکل می‌گیرد، باید دید کانون‌های قدرت کجاست؟ جایگاه جمهوری اسلامی چگونه است؟ جهان اسلام چه وضعیتی دارد؟ جایگاه قدرت‌های شیطانی و سلطه‌گر به چه صورت است؟ در گذشته وضعیت به چه صورت بوده است که ما می‌خواهیم ادامه آن در آینده را ترسیم کنیم. این وضعیت‌ها هم وجود دارد و یک سری اتفاق‌ها هم باید رخ دهد، پس ما باید تلاش کنیم تا روند‌ها را به گونه‌ای که می‌خواهیم پیش ببریم.

شکل‌گیری نظام اسلامی در شرایط نظم دوقطبی

در دوره‌های مختلف نظم‌های متفاوتی بر جهان حاکم بوده است. تا قبل از جنگ اول و دوم، یک نظام چندقطبی با محوریت کشور‌های انگلیس و آلمان در اروپا بوده است. جنگ اول و دوم این وضعیت را به هم زد و از دل این جنگ‌ها، یک وضعیت جدید شکل گرفت. وضعیتی که چرچیل بر روی عرشه ناوی در مدیترانه ایستاد و گفت: «دنیا تغییر کرده است و شرایط عوض شده چراکه الان دو برادر بزرگتر وجود دارند؛ آمریکا و شوروی. لذا نظام دو قطبی شکل گرفته. آمریکا و شوروی، ماهیت نظامی را که بعد از سازمان ملل و شورای امنیت با وجود پنج قدرت دارای حق و تو شکل دادند، دقیقاً یک نظام ظالمانه با ماهیت سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را پایه‌ریزی کردند. اگر هر جریان سومی هم خواست شکل بگیرد، نابودش کردند. حتی نگذاشتند جنبش عدم تعهد‌ها شکل بگیرد! در سازمان ملل هم غیرمتعهد‌ها، بخشی طرفدار آمریکا و بخشی طرفدار شوروی بودند. در حالی که قرار بود به این دو قدرت غیرمتعهد باشند؛ ولی آن‌ها آنقدر مسلط بودند که اینها را تحت تاثیر قرار دادند.

در چنین شرایطی انقلاب اسلامی با شعار «نه شرقی نه غربی» شکل گرفت؛ جمهوری اسلامی پیروز شد و دو قدرت بر همین مبنا به جنگ با این تفکر آمدند که می‌گفت نه شرقی و نه غربی. لذا انقلاب اسلامی در یک دوره نظام دو قطبی شکل گرفت. نکته‌ای که وجود داشت، این دو قدرت با هم در تعارض، ستیز و جنگ سخت و سرد بودند که جنگ سختشان مستقیم نبود. در قاره‌ها و در مجموعه‌هایی مثل شبه‌کره به صورت نیابتی می‌جنگیدند. اما نکته مهم این بود که انقلاب اسلامی توانست در مقابل دو بلوک مقاومت کند.

در هر صورت غرب موفق شد فروپاشی شرق را تجربه کند و با گام هایی که برداشته بود همه چیز را برای سلطه کامل بر جهان با محوریت آمریکا فراهم سازد. شرایط به گونه ای بود که پس از فروپاشی شوروی حتی در جمهوری اسلامی کسانی بودند که گفتند: اگر انقلاب شکل گرفت، در نظام دو قطبی، در جنگ سرد و در رقابت دو قدرت بود. الان وضعیت متفاوت است! اگر بخواهیم بمانیم باید با آمریکا کنار بیاییم.

البته از ابتدای پیروزی انقلاب این نگاه در داخل کشور بود و بیشتر در نهضت آزادی، ملی گراها و غرب گراها دیده می شد که می گفتند ما نمی توانیم با غرب و آمریکا درگیر شویم اما با فروپاشی بلوک شرق، این نگاه در بخشی از نیروهای انقلاب و کسانی که در قدرت بودند هم هوادار پیدا کرد. برای نمونه آقای رجایی خراسانی نماینده وقت ایران در سازمان ملل که اتفاقاً متعلق به جناح راست هم بود، یک نامه بلند و بالا به مسئولان نظام می نویسد که پس از تحلیل شرایط کشور و با اشاره به فروپاشی شوروی می گوید؛ آمریکا یکه تاز میدان شده و ما هم بهتر است هر چه زودتر وارد مذاکره با آن شویم. تا آنجایی که مرحوم آقای هاشمی هم اذعان کردند؛ ما به حضرت امام^(ره) گفتیم وضعیت این گونه است و باید با آمریکا کنار بیاییم.

آمریکاییکه با فروپاشی شوروی، نظام تک قطبی سلسله مراتبی را مطرح کرده بود حرفش این بود که الان یکی از دوبرادر بعد از جنگ جهانی کشته شده و ارث او به برادر زنده می رسد. لذا حالا آمریکا باید رهبر جهان باشد.

تلاش آمریکا مدعی تک قطبی برای حل مسئله فلسطین

اینجا بود که آنها میخواستند مهم ترین موضوع منطقه بحث اعراب، اسرائیل و فلسطین را حل کنند؛ لذا کنفرانس صلح مادرید برگزار شد که جمهوری اسلامی مخالفت کرد. اولین کاری که آمریکایی ها میخواستند در مقیاس جهانی در باره مهم ترین مسئله غرب آسیا یعنی بحث فلسطین و عراق و اسرائیل انجام دهند با مخالفت ایران اسلامی مواجه شد. نخستین ندای مخالفت با یک جانبه گرایی و تک قطبی را ایران سر داد و در مقابل صلح مادرید، کنفرانس حمایت از ملت فلسطین را برگزار کرد. سپس تهران را تهدید به بمباران کردند و گفتند اگر جمهوری اسلامی بخواهد چنین کاری انجام دهد ما برخورد می کنیم.

بحث هایی صورت گرفت و شورای عالی امنیت ملی در آن مقطع، شرایط را خدمت حضرت آقا گزارش داد، ایشان فرمودند؛ موضع ما در دفاع از ملت فلسطین ثابت است. بگذارید در زیر این آسمان کبود جوانمردی باشد که از مظلوم دفاع کند و آن جوانمرد ملت ایران باشد. بر این اساس ایستادیم و این مسیر را دنبال کردیم. آمریکایی ها بر خلاف تصوراتشان دیدند شرایط سخت و دشوار است و رسیدند به این که اگر بخواهند نظام تک قطبی را شکل بدهند باید سلطه شان بر خاورمیانه انحصاری باشد. تمام حوادث بیست و چند سال گذشته از یازدهم سپتامبر تا الان، تمام هزینه ها برای سلطه بر خاورمیانه و غرب آسیا به عنوان شرط لازم برای سلطه بر جهان را پرداختند.

این خود، اهمیت منطقه ما را نشان می‌دهد. منطقه راهبردی غرب آسیا که غربی‌ها به غلط تحت عنوان «خاورمیانه» جا انداختند. آنچه که آمریکایی‌ها هزینه کردند در افغانستان و عراق و بحث جنگ‌های اینچینی و راه اندازی گروه‌های تروریستی، همه‌اش برای تسلط بر این منطقه بود. منطقه‌ای که هم بحث فلسطین و هم انقلاب اسلامی را دارد.

گروه‌های مقاومتی که با تدبیر حضرت امام (ره) شکل گرفته بود. تصور و تلقی آمریکایی‌ها این بود که با این نوع حضور و لشکرکشی نظامی موفق خواهند شد. اقدامات آمریکا در افغانستان و عراق و سوریه و لبنان، جنگ‌های رژیم صهیونیستی علیه حزب الله و غزه، همه اینها برای ترتیبات امنیتی منطقه بود که خروجی آن پیاده‌سازی طرح خاورمیانه بزرگ یا طرح خاورمیانه جدید باشد. مقصود از خاورمیانه بزرگ یا جدید این بود که ماهیتش آمریکایی باشد. خاورمیانه آمریکایی مقدمه جهانی‌سازی بود و هدف اصلی آن غربی‌سازی جهان بود. می‌خواستند تحت عنوان جهانی‌سازی، دهکده جهانی ایجاد کنند تا، حاکمیت ارزش‌های لیبرال دموکراسی غرب بر جهان صورت گیرد. دقیقاً این حرکات و تلاش‌ها در زمانی است که جمهوری اسلامی پرچم اسلام ناب را به اهتزاز درآورده است و دو تفکر مادی غرب‌گرایی و اندیشه الهی به نمایندگی جمهوری اسلامی مقابل یکدیگر قرار داشتند.

جمهوری اسلامی مانع پیشبرد اهداف آمریکا در منطقه

چرا حاج قاسم را شهید کردند؟ چرا در این سال‌ها آنقدر جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دادند؟ مقام‌های آمریکایی از جمله آقای بایدن با صراحت در همین اغتشاشات ۱۴۰۱ در جایی مطرح کرده بود که در این سال‌ها آمریکا در عمده پرونده‌های سیاست خارجی‌اش با شکست مواجه شده و جمهوری اسلامی و رهبری ایران عامل اصلی این شکست‌هاست. این یعنی قدرت، یعنی نگذاشتن ابر قدرتی مانند آمریکا که ادعای رهبری بر جهان را دارد، برای رسیدن به اهدافش با موفقیت مواجه می‌شود. چنانچه رئیس‌جمهور آمریکا با صراحت می‌گوید؛ عامل اصلی شکست‌های آمریکا در پرونده‌های سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران است. پس در مقابل این ابر قدرت مدعی رهبری بر جهان، یک قدرتی در حال ظهور است. شما اینها را در کنار تحلیل‌های ناجور که به خورد جوان‌های ما در کشور داده‌اند بگذارید. برای مثال ایران منزوی است، ایران در حال فروپاشی قرار دارد، ایران عقب مانده و ...

مگر می‌شود ما هم با قدرت باشیم هم در حال انزوا و فروپاشی قرار داشته باشیم. بله ما مشکلات را داریم. با نگاه واقع‌بینانه باید مشکلات را دید اما در کنار این مشکلات، کشوری که زمانی تحت سلطه و سیطره بوده سپس با انقلاب استقلال پیدا کرده است. جمهوری اسلامی در دوره نظام ولایی به این واقعیت رسیده است که قدرتی مانند آمریکا در مهم‌ترین منطقه جهان به عنوان پیش‌نیازش برای رهبری بر جهان لشکرکشی می‌کند. زمانی در عراق بالای ۲۰۰ هزار نیرو دارد، در افغانستان بیش از ۱۰۰ هزار نیرو می‌آورد و گروه‌های تروریستی را از گوشه و کنار جهان جمع، تجهیز و پشتیبانی می‌کند.

حاج قاسم را با این تصور شهید کردند که او عامل شکست‌های میدانی است. اما پس از شهادت حاج قاسم بر خلاف تصور آمریکایی‌ها مقاومت جان تازه‌ای گرفت. ما در اوایل سال ۱۳۹۸ با شهید سلیمانی دیداری داشتیم. ایشان به حوادث

بیش از بیست سال منطقه اشاره کرد و نقشه‌ها، طراحی‌ها، توطئه‌ها و اقدامات آمریکایی‌ها را بر شمرد و گفت کافی بود از این بیش از بیست مورد یک یا دو مورد به نتیجه می‌رسید، اصلاً وضعیت متفاوت می‌شد.

فراموش نکنید بعد از اشغال افغانستان و عراق در کشور ما بیش از صد و خورده‌ای نماینده مجلس ششم به رهبری نامه‌ای نوشتند که شرایط به گونه‌ای هست که اگر جام زهری نوشیده نشود، ممکن است ایران مانند جنگ جهانی اول و دوم اشغال شود و ما هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم. یعنی همواره یک تفکری وجود داشته است که قدرت را در طرف مقابل و ملت را ضعیف و ناچیز میدیدند. اما امام^(ره) ملتی را شناخت که فرمود با اطمینان می‌گویم برتر از ملت عهد رسول خدا(ص) و چهل و پنج سالی که همین را ثابت کرد که با پشتوانه همین ملت با عنایت به نصرت الهی فرمود: «آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند و ما آن را زیر پا له می‌کنیم.» این نگاه باید با جهاد تبیین جامعه را تقویت کرد تا همین روند له شدن آمریکا زیر پای ملت ایران و آزادی قدس شریف تحقق پیدا کند.

تلاش‌های ناکام آمریکا برای تثبیت نظام تک قطبی

آمریکا با هدف تثبیت و جا انداختن یک نظام تک قطبی سلسله مراتبی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، امنیتی در جاهای مختلف دنیا به ویژه در منطقه ما ورود پیدا کرده و سرمایه‌گذاری کرد. جمهوری اسلامی ایستادگی کرد که البته این نظام به ضرر چین و روسیه هم بود و یکی از دلایل همراهی آنها با ما در راستای منافع خودشان این بود که تنها کشوری که توان ایستادگی و مقابله دارد، ایران است و باید به آن کمک کرد. نه به خاطر ما بلکه به خاطر منافع مشترک و تهدید مشترکی که با ما داشتند. آنها هم مطمئن بودند که ایران آینده دارد و می‌تواند بایستد که این هم باید تبیین شود. چون بعضی‌ها فکر می‌کردند ما به روس‌ها و چینی‌ها باج می‌دهیم. ما موقعیت برتری داریم باید تلاش بیشتری بکنیم تا از این موقعیت برتر استفاده بهتری کنیم.

نهایتاً آمریکایی‌ها در رسیدن به این ایده با شکست مواجه شدند این چیزی است که بارها و بارها خود آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها، به شکل‌های مختلف بیان کردند. خواسته آنها چه بود. همان که آقای بوش پدر مطرح کرد بعد از فروپاشی بلوک شرق در کنگره آمریکا وقتی بحث طرح نظم نوین مطرح شد، گفت این نظم نوین یعنی رهبری حداقل یکصد ساله آمریکا بر جهان. لذا فوکویاما نظریه تحلیل تاریخی ایدئولوژیک را تحت عنوان «پایان تاریخ» مطرح کرد و گفت که به هر حال در پایان تاریخ، آنچه که بر جهان حاکم می‌شود، ارزش‌های لیبرال دموکراسی است که پرچمش الان در دست آمریکا قرار دارد.

قبل از فروپاشی بلوک شرق آقای گورباچوف اولین بار نظم نوین را در دوره نظام دو قطبی مطرح کرد. چون دید نمیتواند یک قطب باقی بماند؛ گفت یک قطب از چند قطب بشویم. نظم نوین آقای گورباچوف، یک نظام چند قطبی بود. اروپا، آمریکا و شوروی هر کدام یک قدرت باشد. اما وقتی این نظام فرو پاشید حتی در اروپا «خانم تاچر» که سال‌ها نخست وزیر انگلیس بود، گفت؛ مطلوب ما این است که به جای یک جنگ با آمریکا، از این کشور استقلال پیدا کنیم.

از آنجا که اروپا مقابل آمریکا فاقد عمق استراتژیک است، بهتردید که با آن کنار بیاید. لذا تقسیم منافع در دنیا طبق سلسله مراتب، اول آمریکا و بعد اروپاست. فلذا در لشکرکشی آمریکا به افغانستان، اروپایی ها در قالب ناتو همراهی می کنند. در لشکرکشی به عراق همراهی می کنند. در بحث اوکراین، اروپا با آمریکا همراهی می کند. برای تحقق آن نظام تک قطبی که آمریکا و اروپا بتوانند دنیا را مدیریت کنند. ولی با همه این احوالات با شکست مواجه شدند و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و مقاومت در منطقه مهمترین عامل به شکست رساندن نظم نوین مورد نظر آمریکا است. خب حالا چه نظمی قرار است اتفاق بیفتد.

تأثیر طوفان الاقصی بر نظم جدید

حال به سوال اصلی برمی گردیم که با حوادثی که در فلسطین رخ داد چه نظم جدیدی خواهد شکل بگیرد؟ عملیات طوفان الاقصی اتفاقات جدیدی را رقم زد و یکی از این اتفاقات این بود که برای اولین بار در سطح فراگیر و فراوان این باور پدید آمد که اسرائیل رفتنی است. آن قفل و آن گره ذهنی شکست ناپذیر اسرائیل باز شد. خیلی ها معتقدند اگر در آن روزهای اول سنتکام به کمک رژیم صهیونیستی نمی رفت، کار اسرائیل تمام بود. یعنی این شوک و ضربه ای که هزار و دو بیست رزمنده حماس وارد کردند، می توانست تمام کننده باشد. این نکته مهمی است که هفتصد نفر از این هزار و دو بیست نفر حافظ قرآن بودند. آقای اسماعیل هنیه حافظ قرآن بود و پانصد نفر دیگر هم از یک جز تا بیست و نه جز حافظ قرآن هستند.

طوفان الاقصی متأثر از عاشورا بود

این درحالیست که از همان روزهای اول، ماه های اول عملیات طوفان الاقصی این سوال مطرح می شد که آیا این عملیات ارزش آن را داشت که حماس دست به چنین کاری بزند که صهیونیست ها متعاقب آن بیایند، بمباران بکنند، نابود بکنند، زن، بچه، کودک، بیمارستان، اردوگاه را نابود کنند و به هیچ چیزی رحم نکنند. آیا ارزشش را داشت. شنیدم از آقای اسماعیل هنیه این همه سوال را کرده بودند که آیا ارزشش را داشت که شما این کار را کردید؟ ایشان گفته بود که ما چه راه دیگری داشتیم؟ برای اینکه طرف مقابل را قانع کند، فرمود: امام حسینی که شما با منطبق وی حرکت می کنید تنها راه او همین راه بود.

امروز به نظر می رسد مردم غزه متأثر از مکتب عاشورا و فرهنگ عاشورا دست به مقاومتی که می زنند و شهادت را اینچنین استقبال می کنند و هرچه که می شود می گویند؛ الحمدلله. این همان کلمه ای است که امام حسین (ع) در عصر عاشورا فرمود. «الهی رضی برضائک». این فرهنگی است که انقلاب اسلامی به جهان صادر کرده است. یعنی همانی شد که امام (ره) در پایان جنگ فرمودند: «ما در این جنگ انقلاب مان را به جهان صادر کردیم. انقلاب صادر شده و این فرهنگ رفته، این الگو شده است.

یکی از شکست هایی که به نظر من نیاز به کار دارد و جای تبیین دارد و آینده ساز است، شکست راهبردی رسانه ای غرب بعد از عملیات طوفان الاقصی است. یعنی چه؟ یعنی با عملیات نظامی طوفان الاقصی، رژیم صهیونیستی در جغرافیایی

سرزمین های اشغالی دچار شکست های اطلاعاتی، امنیتی و نظامی، دفاعیو هر شکستی را متصور باشید، وارد شد. امروزه وضعیت فرهنگی، وضعیت اقتصادی و وضعیت اجتماعی آنها به گونه ای است که به راحتی جبران نمی شود. اصلا این روند شکست را دیگر نمی توانند تغییر دهند. خودشان می گویند؛ اسرائیل یک چیز داشت که امنیت بود و آن را هم از دست داد. ابهتش را از دست داد، پرستیژش را از دست داد، ارتش انچنانی که رعب و وحشت ایجاد می کرد را، از دست داد. بیش از ده ماه است که مقاومت صورت می گیرد. اصل باورناپذیر شکست های رژیم صهیونیستی باورپذیر شد. اما شکست اصلی که من معتقدم آینده ساز هست، شکست رسانه ای آنهاست. شکست رسانه ای یعنی چه؟ یعنی غرب در طیک دوره طولانی با استفاده از ابزارهایی که روز به روز نوین و مدرن شد، یک سلطه رسانه ای در جهان پیدا کرده بود، یک امپراتوری رسانه ای. اگر در رژیم صهیونیستی بحث گنبد آهنین یک نوع امنیت روانی را ایجاد می کرد که هیچ چیزی نمی تواند وارد شود. این امپراطوری رسانه ای آن گنبد آهنین این چنینی را شکل داده بود که ما باید مرزهای مردم جهان را مدیریت کنیم. چیز دیگری نباید وارد شود.

در چنین فضایی مردم اروپا باور کرده بودند فلسطینی ها تروریست هستند. باور کرده بودند اسرائیل یک رژیم اخلاقی است. هولوکاس را باور کرده بودند. اما بعد از طوفان الاقصی چه می شود که چند صد هزار نفر در خیابان های لندن، چندصد هزار در خیابانهای پاریس، نیویورک و مهمتر از همه در دانشگاه های معتبر و بزرگ امریکا مثل کلمبیا حضور پیدا می کنند. کار به جایی می رسد که بیش از سه چهار هزار استاد و دانشجو را بازداشت می کنند.

نامه مقام معظم رهبری به جوانان غرب

نامه حضرت آقا را باید در این راستا تحلیل کنید. در ادامه نامه هایی که در گذشته به جوانان غرب، به جوانان اروپا و آمریکا نوشته بودند، تحلیل کنید. به نظر من تحلیل این نامه ها همانند تحلیل نامه هایی است که پیامبر بزرگ اسلام به سران زمان خودشان است که از آینده خبر می داد. مقام معظم رهبریدر این نامه خطاب به دانشجویان می نویسند که شرایط در حال تغییر است، تاریخ در حال ورق خوردن است. شما در سمت درست تاریخ ایستاده اید و اینک شما بخشی از مقاومت هستید. خیلی نکته مهمی است. شما بخش از مقاومت هستید.

حضرت آقا در سال ۱۳۹۸ در همایش فرماندهان سپاه که آخرین همایشی بود که سردار سلیمانی هم حضور داشت، به هشت فرمان اشاره فرمودند که یکی از این هشت فرمان، توسعه مرزهای مقاومت بود. مقاومت باید از منطقه به فرامنطقه برود و امروز این اتفاق افتاده است. در اروپا، در آفریقا، در آمریکای لاتین، در دانشگاه های آمریکایی که وقتی آن حوادث رخ می دهد، حضرت آقا می فرمایند؛ شما امروز بخشی از مقاومت هستید. مقاومت الزاما معنایش اسلحه بدست گرفتن نیست.

بدین ترتیب اگر دشمنان و آمریکایی ها به دنبال جهانی سازی به مفهوم غربی سازی بودند، نه تنها محقق نشده بلکه حضرت امام (ره) موفق شده هسته های مقاومت را در آمریکا شکل دهد و امروز مقاومت جهانی شده است. شود یعنی ما با

یک پدیده مقاومت جهانی علیه ظلم ستم مواجه هستیم. همانی که می خواهد نظام سلطه گری خودش را تحمیل و اعمال کند.

هدف از جنگ غزه نجات تمدن غرب

در چنین شرایطی رژیم صهیونیستی چه وضعیتی دارد؟ چرا نمی گذارند اسرائیلی که آمده یک سرزمین را اشغال کرده از بین برود؟ چرا همه ادعاهای حقوق بشری که آمریکایی ها و اروپایی ها دارند را زیر پا گذاشتند؟ به نظر من شما عزیزان بزرگواری که مطلعید، تاریخ را مطالعه کرده اید، ولی اگر بخواهید رمز و رازش را بدانید، به چند جمله دقت کنید؛ آقای اسحاق هرزوک در ماه دوم سوم جنگ غزه بعد از طوفان الاقصی یک جمله ای را گفت: «جنگ در غزه جنگ میان اسرائیل با حماس نیست، جنگی است برای نجات تمدن غرب.» آمریکایی ها، فرانسوی ها، انگلیسی ها و... با همین نگاه دارند با تمام توان تلاش می کنند تا رژیم صهیونیستی را که همه قواعد انسانی، اخلاقی، حقوق بین الملل و... زیر پا گذاشته، نادیده بگیرند و آنرا حفظ کنند. ریشه‌های حمایت ها همین جمله است. آقای بایدن هم سه بار در ماه اول جنگ گفت: «اگر اسرائیلی هم نمی بود، ما باید ایجادش می کردیم.»

غرب وقتی که به یک تمدن می رسید رمز و راز حفظ و بقا و استقرار تمدنش را در این دید که نباید بگذارد تمدن دیگری ظهور کند. تنها مجموعه ای که ظرفیت تمدن نوین را داشت اسلام و مسلمان ها بودند. فلذا بدانید بحث ایجاد اسرائیل، دادن سرزمینه یک ملت بی سرزمین نبود. عمده هدف ایجاد اسرائیل که از آن بدرستی غده سرطانی یاد شده، ایجاد یک مانع بر سر راه تمدن سازی جدید در قلب جهان اسلام و از سوی مسلمانها بود. یعنی بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی و تکه تکه کردن سرزمین های اسلامی، گفتند نباید بگذاریم جهان اسلام بار دیگر قد علم کند. نباید بگذاریم جهان اسلام به سمت وحدت برود. نباید بگذاریم جهان اسلام به سمت بیداری برود. باید بر جهان اسلام مسلط شویم. منابع آنها را غارت کنیم. حاکمان دست نشاندۀ بیاوریم، دست ساختارها نفوذ کنیم. یکی از مهمترین کارکردهای رژیم صهیونیستی ایجاد اختلاف، نحله سازی، فرقه سازی، نفوذ در ساختارها و ده ها مسئله دیگر است.

ظهور تمدن اسلام بزرگترین مانع استیلاي تمدن غرب

لذا امام ما حکیمانه و دوراندیشانه، آگاهانه و عالمانه و واقع بینانه وقتی بحث زمینه سازی ظهور را مطرح می فرمود از نابودی اسرائیل به عنوان شرایط لازم برای زمینه سازی ظهور سخن می گفت. اگر جهان اسلام به دنبال تمدن اسلامی هست باید مانع تمدنی خود که اسرائیل است را بردارد. امام (ره) با این نگاه راهبردی فرمودند؛ اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود. حتی با نگاه ملی اگر ایران به عنوان کشوری که مردم مسلمانش خواهان پیشرفت واقعی هستند باید این مانع را از سر راه خود بردارند. لذا اصلا اسرائیل ایجاد کردند برای حفظ تمدن غرب که راه آن جلوگیری از ظهور تمدن جدید بنام اسلام است. در دوره‌های درخشش تمدن ایرانی - اسلامی را در تاریخ ببینید.

انقلاب اسلامی خودش ایده تمدن سازی دارد اما طرف مقابل یعنی جبهه غرب به دنبال استیلاي جهان است و منطقه راهبردی غرب آسیا برایش تعیین کننده است. با همین نگاه آمریکایی می گفتند خاورمیانه آمریکایی، خاورمیانه

جدید. امروز باشکست طرح های آمریکا در منطقه با موضوع فلسطین، بیداری جهانی و وضعیتی که به وجود آمده آیا رژیم صهیونیستی می تواند از این وضعیت که روند خفگی، روند نابودی، روند محدود شدن و روند روبه پایان آن را نشان می دهد، رهایی پیدا کند. یعنی اگر این تحلیل را بپذیریم که نابودی اسرائیل شتاب بخش روند تغییر هست. حضرت آقا هم فرمودند غزه نظم آینده جهان را رقم میزند. از دل خرابه های غزه نظم جدیدی باید شکل گیرد. ما به آن نظم جدید اعتقاد داریم. همان نظمی که جهان اسلام در آن یک قطب قدرت خواهد بود. یک قطب قدرت با ایدئولوژی توحیدی که با به بن بست رسیدن کمونیسم و لیبرالیسم حرف برای گفتن دارد. اینجاست که بحث حکمرانی اسلامی، ساخت تمدن اسلامی، کشور اسلامی ارزش خودش رو نشان می دهد.

اگر ما در ایران موفق بشویم در حوزه های مختلف بر مبنای اصلاح عمل بکنی و آن دولت اسلامی رو که حضرت آقا فرمودند این الگو به سرعت در جهان مورد استقبال قرار می گیرد. الان ایستادگیما در مقابل ظالم، دفاع ما از مظلوم، توجه به کرامت انسانی، اینها طرفدار پیدا کرده است. اما اینکه قابلیت های ملت ایران و جهان اسلام تو عرصه های مختلف که خب الحمدلله در برخی از حوزه ها، پیشرفتها و موفقیت های قابل توجهی داشته است.

شکست رژیم صهیونیستی از حماس قطعی است

مشخصا نتایج بعد از عملیات طوفان الاقصی اهدافی را اعلام کرد. نابودی حماس، تصرف غزه، آزادی گروگان ها و اداره غزه در مسیری مثل کرانه باختری با یک الگویی مثل محمود عباس ولی هر چه آمد جلوتر دید نمی شود. امروز از فرماندهان عالی رتبه ارتش خود اسرائیل می گویند نمی شود. دیدید که چند یقلسخنگوی ارتش اسرائیل یک حرفی را زد و یک شوکی وارد کرد که مواخذه هم شد. وی گفت؛ نابودی حماس یک توهم است. حماس یک ایدئولوژیست، حماس مردم است. حماس یک گروه نیست. یعنی همانطور که امام (ره) انقلاب اسلامی را با یک گروه به پیروزی نرساند. انقلاب اسلامی امام (ره) با چه به پیروزی رسید. با مردم، منتها مردمی که حرکتشان مبتنی بر باورهای دینی و اعتقادات شان بود. امروز حماس یک جریان مردمی است. مردمی با باورها و اعتقادات دینی.

از آن طرف، اضلاع مقاومت یک ظرفیتی را ایجاد کرده که وحشت، رعب و نگرانی در جبهه استکبار ایجاد کرده است. تهدیدهایی که حزب الله لبنان ایجاد کرده سابقه نداشته است. در گذشته ارتش اسرائیل اگر اراده می کرد به راحتی و از راه زمینی تا نزدیک بیروت می رفت. هوایی که دائمی بود. الان مدتی است که بحث حمله به حزب الله لبنان را مطرح کرده اما میدانند که نمی توانند. چون وضعیت خودش رو میدانند. توان خودش رو میبینند. استهلاک خودش را میدانند. نقطه ضعفش را میدانند. اما مهمتر این است که بیش از یک سوم ارتش رژیم صهیونیستی به خاطر عملیات های حزب الله درگیر جبهه های شمالی شده است. یک سوم برای کشوری که درگیر جنگ غزه است، رقم بالایی می باشد.

موفقیت های حزب الله در ضربه به رژیم صهیونیستی

بحث جنگ با حزب الله جدی مطرح شد اما یکی از مقامات سازمان سیا مطلبی را گفت که رسانه ای هم شد؛ ویرسید که آیا آقای نتانیاهو به این فکر کرده که اگر به لبنان حمله کند با صدها رزمنده ای که از یمن و عراق و دیگر جاها از طریق

لبنان به سمت داخل سرزمین های اشغالی سرازیر می شوند، چه خواهد کرد؟ تهدیداتی که سید حسن نصرالله انجام داده و آنها میدانند آنچه که حزب الله لبنان در این مقطع کارگیری کرده، بخشی از استعداد آنهاست و هنوز نخواست است درگیر شود. نخواست جمعیت بزند. هنوز سراغ آدمها نرفته است. عمدتاً جاهایی را که زده مقرها و پایگاهها و ایستگاه هایی راداری و مخابراتی بوده است. در حالی که آنها می دانند اگر سید حسن نصرالله اراده کند زیرساختهایی که با جمعیت و زندگی مردم ارتباط دارد چگونه می تواند رژیم صهیونیستی را گرفتار بحران هایجدی کند. گروه های مقاومت عراقی که با پهپادهای خودشان ضرب شست را در بندر ایلات نشان دادند. انصارالله یمن که از یک فاصله بیش از دو هزار کیلومتری پهپادهایش را به تلاویو می فرستد.

این صحنه را ترسیم کنید؛ آمریکایی ها با ناتو و ارتش آن چنانی با هواپیماهای جنگی و... پس از بیست سال از افغانستان فرار کردند. در عراق رفتند گرفتار شدند. در سوریه طرح هایشان با شکست روبرو شد. اما جبهه مقاومت این چنین هست. جبهه مقاومتی که محصول انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی که وقتی پیروز شد طرح دشمن - طبق نظری که آقا فرمودند به استناد کنفرانس گوادلوپ - گفتند ما ایران را در همان ماه های اول درگیر بحران هایی می کنیم که انقلابش شکست بخورد. سال اول، سال دوم، سال سوم و جنگ تحمیلی هشت ساله و... حالا انقلاب اسلامی چهل و پنج ساله شده است.

بدین ترتیب شما می بینید که انقلاب اسلامی یک انقلاب توحیدی با روند رو به توسعه قدرت، باز شدن ژئوپولیتیک به گونه ای که امروز اگر ایران اسلامی بخواهد می تواند نیروی نظامی خود را از روی زمین حرکت دهد و از طریق عراق و سوریه، لبنان خودش را به مرزهای سرزمین اشغالی برساند. در اضلاع دیگر یک جبهه مردم پایه، جبهه مردمی که شکست در آن معنا ندارد. خصوصاً مبتنی بر یک فرهنگ عاشورایی، منطق پیروزی خون بر شمشیر، همانی که امام(ره) فرمودند؛ بکشید ما راه، ملت ما بیدارتر می شود. حاج قاسم را زدند، شهید زاهدی را زدند. شهید اسماعیل هنیه را زدند.

جالب اینجاست که بیانیه اجلاس اتحادیه همکاری کشورهای اسلامی در عربستان باور نمی شد که اینها این طوری با این متن و با این ادبیات همراهی کنند. اتفاقاتی دارد رخ می دهد. لذا آنچه که پیش بینی می شود عرض بکنم این که انقلاب اسلامی در نظام دوقطبی پیروز شد. شوک ایدئولوژیک را که بلوک شرق زد. ناکارآمدی هم داشت. کلا سوسیالیسم طبق نامه حضرت امام(ره) به تاریخ رفت. امروز در دنیا کسی دنبال اندیشه هایی از آن جنس دیگر نیست. حضرت امام(ره) در آن نامه به آقای گورباچف به حالت احتضار غرب که در حال جان دادن هست اشاره می کند. اسلام قد علم کرده اما این اسلام باید برای رسیدن به نقطه مطلوب دو غلبه پیدا کند.

پیروزی گفتمان انقلاب اسلامی در باب فلسطین

امروز ما در میانه راه این دو غلبه هستیم، یکی غلبه گفتمانی؛ گفتمان انقلاب اسلامی ایستادگی درمقابل ظالمان و دفاع از مظلومان، توجه به حریت، کرامت و شرافت انسانی، امروز در جهان خریدار پیدا می کند. فلذا شما می بینید در دانشگاه های آمریکا به زبان فارسی شعار مرگ بر اسرائیل داده می شود. این شعار «فلسطین از به نهر تا بحر، باید آزاد شود» جهانی

و فراگیر شده است. این شعار انقلاب اسلامی، شعار ملت ایران است. انقلاب اسلامی که پیروز شد رژیم صهیونیستی سی ساله بود، تو این سی سال همه رو بردند به سمت اینکه راهی جز سازش وجود ندارد. آقای انورسادات به کمپ دیوید رفت. تمام کشورهای عربی برای عادی سازی روابط پشت مصر بودند. تاریخ را بررسی کنید. چون مصر بزرگترین کشور عربی بود، در موقعیت پیشرانی و خط مقدم بود. در جنگهای اعراب و اسرائیل مصر بیشترین ورود را داشت. وقتی که مصر به کمپ دیوید می رود، دیگر وضعیت دیگران روشن است. رهبران گروه های مقاومت فلسطینی هم کم کم به همین راه رفتند. بالاترین شان یاسر عرفات بود که نخل زیتون بدست گرفت.

اما آن سی سال یک روندی را داشت که با انقلاب اسلامی و نگاه صادقانه امام^(ره) مبنی بر محو اسرائیل و ایستادگی، این چهل و پنج سال وضعیت دیگری را رقم زد. به گونه ای که امروز بحث نابودی اسرائیل در دیوان لاهه مطرح می شود. اینها بحث هایی نیست که بشود راحت از کنارش گذشت.

جمع بندی

روزگاری فلسطین تروریسم معرفی می شد و اسرائیل یک رژیم اخلاقی و دموکراتیک ولی ما مسیری را طی کردیم که امروز دادگاه لاهه هم اینگونه موضع می گیرد. آنها می گویند این حضور غاصبانه و اشغالگرانه است. یک مرجع بین المللی حقوقی این گونه موضع گیری می کند. اینها چیز کمی نیست که اتفاق افتاده است. اینها نتیجه مقاومت است. نتیجه ایستادگی خونهایی است که ریخته شده است. و این آگاهی که شکل گرفته، مهمترین دستاورد مقاومت است. که شما در کشورهای شرقی در غرب، در آفریقا، در هر جا شعار فلسطین باید آزاد گردد، سر داده می شود. یعنی جمهوری اسلامی توانسته دنیا این مطلب را بفهماند. حضرت آقا اشاره کردند؛ تحولات در غرب نشانه ای از حقانیت و اثبات حقانیت راه درست ملت ایران است. منتها به رغم همه این آگاهی ها و هشیاری ها و مخالفت ها، چرا دولتمردان در مغرب زمین دست از حمایت بر نمی دارند به خاطر همان نکته ای که عرض کردم، چون می دانند نابودی اسرائیل یعنی شتاب پیدا کردن حرکت امت اسلام به سمت همگرایی، به سمت وحدت، شتاب گرفتن حرکت انقلاب اسلامی به سمت تمدن سازی اسلامی. تمدنی که ظهورش افول تمدن غربی را در پی دارد. غربی که به لحاظ اخلاقی سقوط کرده، به لحاظ انسانی سقوط کرده است.

آقای نتانیا هو این را اعلام کرد ولی تا الان به نتیجه نرسیده اند. آیا می توانند وضعیت را تغییر بدهند؟ هم تحلیلگران سیاسی، هم کارشناسان به قول معروف نظامی جهان، هم خود فرماندهان رژیم صهیونیستی و هم اون کسانی که از منظر انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت در این منطقه هستند، معتقدند اسرائیل هرگز موفق نمیشود در این روندها تغییری ایجاد کند. ممکن است کشتو کشتارها را بیشتر کند، جنایت را بیشتر کند، ظلم و ستم را بیشتر کند، ترورهای بیشتری را انجام بدهد اما با این ترورها، بمباران ها و ویران کردن ها قادر به تغییر وضعیت اسرائیل نخواهد بود. اگر این جنگ فردا، ماه آینده، سال آینده متوقف شود، نتیجه اش خروج یک مقاومت قدرتمندتر، سرافرازتر، با انگیزه های بیشتر برای نابودی اسرائیل و یک اسرائیل کاملاً ضعیف شده تراست.

این تجربه چهل و پنج ساله ماست. در چهل و پنج سال گذشته جبهه استکبار، نظام سلطه علیه جبهه حق هیچ توطئه ای، هیچ فشاری و هیچ جنگی را تحمیل نکرده مگر اینکه نهایتاً خروجی آن رشد و مقاومت بیشتر و توانمندی بیشتری بوده است. شما حزب الله را مطالعه کنید، گروه های عراقی را مطالعه کنید، انصارالله یمن را مطالعه کنید، خود جمهوری اسلامی را مطالعه کنید نتیجه اش این حقانیت است که فرمود: «ان تنصر الله ينصرکم و يثبت اقدامکم»، «والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا» و «ان ینصرکم الله فلا غالب لکم» ان شاء الله. والسلام علیکم و رحمہ الله